

یک کمدی رمانتیک کلاسیک

در باره فیلم «در یک شب اتفاق افتاد»



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

در دهه ۱۹۳۰ نوعی از کمدی در سینمای آمریکا باب شد که به آن «کمدی اسکرولال» می‌گویند. این زیرژانر کمدی رمانتیک محصول دوران رکود اقتصادی و اوضاع نابسامان مردم آمریکا در آن روزها بود. فیلم‌های اسکرولال روابط عاشقانه‌ای را نشان می‌دادند که در آن با شخصیت زن جسوری روبرو بودیم که قدرت‌طلبی مردانه را به چالش می‌کشید. آن چه کمدی اسکرولال را از کمدی رمانتیک متمایز می‌کند، این است که کمدی اسکرولال معمولاً تأکید خود را بر یک نوع جعل خنده‌دار عشق می‌گذارد در حالی که کمدی رمانتیک سنتی‌تر است و در نهایت بر خود مفهوم عشق تأکید می‌کند. نمایش دوشخصیت کاملاً متضاد که در ابتدا متنفر از همدیگر به نظر می‌رسند اما در نهایت می‌فهمند که در دام عشق یکدیگر گرفتار شده‌اند، از عناصر تکرار شونده کمدی‌های اسکرولال است. اکثر کارشناسان بر این باورند که «در یک شب اتفاق افتاد» را باید اولین کمدی اسکرولال سینما در نظر گرفت. از این جنبه، «در یک شب اتفاق افتاد» فیلمی است که از نظر تاریخی و در حوزه مطالعات سینمایی از اهمیت بالایی برخوردار است. دختر شاد و ملوس خاندان «اندروز» به‌نام «الی» به‌رغم مخالفت پدر قصد دارد با شاهزاده «وستلی» که مردی جدی و خشک است ازدواج کند و برای این منظور مجبور به فرار از دست پدر می‌شود. از آنجایی که پدر

فیلیس فاگ با سرعت به کشورهای زیادی سفر می‌کند و یک کارآگاه بریتانیایی که فکر می‌کند او یک سارق بانک است، به اشتباه او را تعقیب می‌کند. در این سفر پاسپورت او خدمتکار فیلیس همراهش هستند.

محبوب‌ترین کتاب زول ورن

«دور دنیا در هشتاد روز» در تابستان ۱۸۷۲ منتشر شد. داستان کتاب درباره فیلیس فاگ، مردی انگلیسی است که در یک شرط‌بندی می‌گوید که دور دنیا را در ۸۰ روز سفر می‌کند. امروز این سفر چند روز طول می‌کشد اما در سال ۱۸۷۲ بسیاری از کشورها هنوز راه‌آهن نداشتند، همچنین ماشین و هواپیما هنوز اختراع نشده بود.

فیلیس فاگ با سرعت به کشورهای زیادی سفر می‌کند و یک کارآگاه بریتانیایی که فکر می‌کند او یک سارق بانک است، به اشتباه او را تعقیب می‌کند. در این سفر پاسپورت او خدمتکار فیلیس همراهش هستند.

کتاب پایانی غیرمنتظره دارد. این سه نفر مطمئن هستند که با یک‌روز تأخیر به لندن می‌رسند. اما آن‌ها متوجه می‌شوند که در واقع با سفر به شرق، به جای غرب، یک‌روز با دست آورده‌اند. آن‌ها به سمت محل ملاقات خود می‌روند و فاگ برنده شرط‌بندی می‌شود. این کتاب در میان محبوب‌ترین کتاب‌های ژول ورن است. هر فصل جدید آن به‌صورت سریالی در روزنامه منتشر شد و داستان مثل فیلیس فاگ به تمام دنیا سفر کرد. در بعضی از کشورها خوانندگان درک نمی‌کردند که این فصل‌ها داستان بودند، بنابراین خودشان به دنبال فیلیس فاگ گشتند. این کتاب به نمایشنامه تبدیل شد که توسط خود ژول نوشته شد.

این کتاب با نام «سفر هشتادروز دور دنیا» برای اولین بار توسط محمدحسین فروغی در سال ۱۳۰۰ منتشر شد. بعد از آن اردشیر نیک‌پور را در سال ۱۳۳۳ با نام «دور دنیا در هشتاد روز» توسط کتابخانه‌ی گوگنبرگ به فارسی منتشر کرد. این اثر با ترجمه فرزانه مهری به فارسی ترجمه شده است.

نویسنده از این نمایشنامه بسیار بیشتر از کتاب درآمد کسب کرد که برای تضمین زندگی راحت برای خانواده‌اش کافی بود. بعد از آن ژول ثروتمند و مشهور، یک زندگی پر از ماجراجویی و سفر به کشورهای مختلف را داشت. او در ۱۰ سال آینده به نوشتن حداقل دو رمان در سال ادامه داد که همگی بخشی از سفرهای شگفت‌انگیزی بود که اترل منتشر می‌کرد. این کتاب‌ها شامل «هتصد فرسنگ در آمازون»، «اشعه‌ی سبز» و «روبر قاتح» می‌شود.

پایان ماجراجویی زول ورن

در سال ۱۸۸۶ برادرزاده‌ی ژول یعنی پسر پل، به پایش شلیک کرد و او بدجور صدمه دید. در واقع این گلوله تا آخر عمر در پای او ماند. چند هفته بعد از این تیراندازی در حالی که ژول همچنان به‌شدت درد می‌کشید، اخبار بدی دریافت کرد؛ ناشر و دوست قدیمی‌اش بی‌پرزول اترل درگذشت. در سال ۱۸۸۸ ژول تنها کتاب کودک خود به‌نام «دو سال تعطیلات» را نوشت. در سال ۱۸۹۷، ژول به یکی از الهامات اولیه خود، ادگار آلن پوپاگشت. نویسنده‌ی آمریکایی، رمانی نوشته بود که ژول احساس می‌کرد می‌توان آن را ادامه داد. بنابراین ژول ورن نوعی دنباله برای داستان پو «آرتور گوردون پیم از نانکت» نوشت. او کتاب‌های دیگری نوشت که در یونان، اسکاتلند، چین، کانادا، قطب جنوب و در امتداد رودخانه آمازون اتفاق می‌افتاد. کتاب‌های او بیش از ۱۴۰ زبان دنیا ترجمه شده و بعضی از کارشناسان می‌گویند که او یکی از نویسندگانی است که کتاب‌هایش بیش از همه ترجمه شده است.

ژول حالا به قرن بیستم رسیده بود و سعی می‌کرد به نوشتن ادامه دهد. پای مجروحش هنوز آزارش می‌داد، دیدش ضعیف شده بود و دست‌آتش به‌خاطر یک عمر نوشتن با دست، به‌شدت درد می‌کرد. وقتی او ۷۷ ساله بود سکنه کرد و هیچ‌وقت دوباره سر پا نشد. ماجراجویی بزرگ ژول ورن، با مرگش در ۲۴ مارس ۱۹۰۵ تمام شد.

در ۱۸۶۶ امضاء کردند و توافق کردند که سالی سه کتاب منتشر کنند. اترل مجموعه کتاب‌های جدید را «سفرهای شگفت‌انگیز» نامید. ژول ورن درباره‌ی این مجموعه گفت: «هدف او این است که تمام دانش جغرافیایی، زمین‌شناسی، فیزیکی و نجومی جمع‌آوری شده توسط علم مدرن را جمع‌آوری کند و داستان جهان ما را ارائه دهد.»

این کتاب توسط ناشران مختلف و با نام‌های مختلف در ایران به فارسی منتشر شده است، «مسافرت به ماه»، «سفر به کره ماه» و «از زمین تا ماه» تعدادی از عناوین فارسی‌شده‌ی این کتاب هستند که انتشارات ققنوس آن را با ترجمه‌ی محمد نجابتی به‌نام «از زمین تا ماه» منتشر کرده است.

ژول به خواندن انواع ژورنال‌های علمی و ملاقات با بسیاری از متخصصان ادامه داد. او به گروهی مانند حلقه مطبوعات علمی ملحق شد تا درباره اخبار علمی بخواند و سخنرانی‌هایی از دانشمندان و مخترعان مشهور را بشنود. او همچنین ایده‌هایی برای داستان‌هایش با سفر به اطراف فرانسه و دیگر بخش‌های اروپا جمع‌آوری کرد. در سال ۱۸۶۷ برنامه‌ریزی‌ای برای یک سفر طولانی‌تر کرد. او با پل به ایالات متحد آمریکا رفتند؛ یکی از نادر وقت‌هایی که ژول در زندگی‌اش اروپا را ترک کرد. آن‌ها با هم با یک کشتی بخار در طول اقیانوس اطلس سفر کردند و به نیویورک رفتند و در یک هتل شیک اقامت کردند. این هتل اولین هتلی در شهر بود که آسانسور داشت. بعد این دو برادر به رودخانه هادسن رفتند تا آبشارهای عظیم نیاگارا را ببینند. ژول عاشق آمریکا شد. او در بسیاری از کتاب‌های بعدی‌اش شخصیت‌ها و مکان‌های آمریکایی را می‌گنجاند.

خلق شخصیت کاپیتان نومر مورز

وقتی که به خانه برگشت دفترچه‌های یادداشتش پر از ایده‌ها و مشاهدات بودند، دنیای علم و صنعت به ذهنش رسیده بود. عشق تمام عمر ژول به دریا به او کمک کرد تا رمانی بنویسد که او را مشهورتر از همیشه کرد. ژول می‌خواست تمام چیزهایی که او واقعاً به آن علاقه داشت از جمله ماشین‌های پرنده و چرخنده را ترکیب کند. او درباره ماشین‌آلات تحقیق کرد و درباره‌ی سفرهای دریایی خواند. ژول درباره‌ی کتاب جدیدش هیچ‌چیز نداشت. «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» داستان کاپیتان نمو، مردی رموز را تعریف می‌کند که فرماندهی زیردریایی عظیم ناتیلوس را بر عهده دارد. بیست هزار فرسنگ در عنوان کتاب، به مسافت طی شده نه عمقی که زیردریایی طی کرده، اشاره داد.

در نمایشگاه جهانی در پاریس یک زیردریایی واقعی به‌نام ناتیلوس نمایش داده شد. داخل ناتیلوس کاپیتان نمو، مانند زیردریایی‌های واقعی تنگ، بدبو و تاریک نبود. در عوض، ناتیلوس ژول ورن اتاق خواب‌های بزرگی برای مسافران داشت. آنجا موزه‌ای پر از نقاشی‌هایی داشت که نمو در سفرهای جمع‌آوری کرده بود. نویس از سوزا شدن سه مسافر، به ماجراجویی زیر آب در سراسر جهان می‌پردازد. این گروه زیر کلاهک یخی قطب شمال سفر می‌کنند، با ماهی مرکب غول‌پیکر می‌جنگند، صخره‌های مرجانی دریای سرخ را کوش می‌کنند و حتی کابل موزاء اقیانوس اطلس را مشاهده می‌کنند. پس از فرار مسافران در طوفان، نمو و ناتیلوس در گرداب بزرگی در سواحل نروژ ناپدید می‌شوند.

نوشتن «بیست هزار فرسنگ زیر دریا»، سه سال زمان برد. اترل تصمیم گرفت آن را در دو جلد مجزا با شش ماه فاصله منتشر کند. ژول اولین بخش رمان را قبل از اینکه نوشتن داستان را تمام کند تحویل داد. این موضوع به اترل این شانس را داد که در خواست تغییراتی برای بخش دوم کند تا بهتر شود.

این کتاب اولین بار در سال ۱۳۲۰ با ترجمه محمود طرزی به فارسی ترجمه شد. ناشرانی چون اشراقی، اقبال، سپیده، اکباتان، دادجو... تنها تعدادی از ناشرانی هستند که این کتاب را به فارسی ترجمه کرده‌اند. تازه‌ترین ترجمه‌ی این اثر با نام «بیست هزار فرسنگ زیر دریاها» با ترجمه محمد نجابتی از سوی نشر ققنوس منتشر شده است.

آن سال تحقیق مداوم، نگارش و اصلاح جزئیات کتاب آخرش سخت بود. ژول به استراحت نیاز داشت. او احساس کرد که بالاخره آماده‌ی خرید یک کشتی بادبانی بزرگتر است. تنها چیزی که قبلاً داشت یک قایق کوچک ماهیگیری بود. او سازندگانی را استخدام کرد و کار شروع شد. او در سال ۱۸۶۹ نوشت: «قایق در حال پیشرفت است. آن فوق‌العاده خواهد بود. من عاشق این سرهم‌بندی کردن میخ‌ها و تخته‌ها هستم.» وقتی کار تمام شد، نام قایق را به‌نام سن میشل -به‌نام پسر کوچکش- گذاشت.

جنگی که زندگی مردم را عوض کرد

در اوت ۱۸۷۹ ژول به پاریس رفت تا صمدال ملی لژیون دونور، بالاترین جایزه‌ی فرانسه را دریافت کند. او حالا محبوب‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نویسنده در فرانسه بود. اوضاع برای ژول و

کشف‌های جدید در علم که در دنیا اتفاق می‌افتاد ترکیب کرد. این یک شیوه‌ی کاملاً جدید در نوشتن داستان بود.

این کتاب در ابتدا فروش خوبی نداشت اما اواخر همان سال فلیکس نادار بالون‌بست [هوانورد] یک بالون بسیار بزرگ به‌نام «غول» را به هوا فرستاد. نادار که دوست ژول بود و آن‌ها به گروهی تعلق داشتند که دور هم جمع می‌شدند، درباره آخرین اخبار علمی بحث می‌کردند. نادار همچنین عکاس بود و یکی از اولین کسانی بود که عکس‌های هوایی از بالونش به زمین گرفت. پرواز این بالون باعث شد که مردم کتاب ژول ورن را بخرند. این کتاب اولین بار در ایران به‌نام «سیاحت در جو هوا» از زبان ترکی توسط محمود طرزی در سال ۱۳۳۱ قمری توسط مطبعه‌ی عنایت در کابل به فارسی منتشر شد. این کتاب با عنوان «پنج هفته در بالن» با ترجمه حسین سلیمانی‌نژاد توسط نشر ققنوس به فارسی منتشر شده است.

در زمانی که ژول ورن این کتاب را منتشر کرد دانشمندان و مهندسان در سراسر جهان داشتند روی موضوعات مختلف کار می‌کردند و کشف‌هایی می‌کردند که زندگی مردم را تغییر می‌داد، استفاده از قدرت بخار که باعث سریع‌تر شدن سفر کشتی‌ها و قطارها شد؛ آزمایش گالیلدرا و ماشین‌های پرواز، اکتشاف در اعماق جنگل‌های آفریقا، رشته‌کوه‌های آسیا و بسیاری از قلمروهای ناشناخته.

به نظر می‌رسید که ژول در مکان و زمانی درست بود. او نوع جدیدی از داستان را خلق کرد که داستان‌سرایی خارق‌العاده را با پیشرفت علمی واقعی ترکیب کرد. با این که خود ژول ورن هرگز از اصطلاح «علمی-تخیلی» برای توصیف نوشته‌هایش استفاده نکرد، اما این دقیقاً همان چیزی بود که او خلق کرد.

باور داشت علاقه‌ی ژول به علم و استعدادش در خلق داستان‌های ماجراجویانه می‌توانست برای هر دویشان سودآور باشد. او قراردادی امضاء کرد که ژول در آن متعهد شد هر سال حداقل یک کتاب برای انتشار بدهد. هر کتاب فصل به فصل در یک مجله منتشر می‌شد و هر وقت داستان تمام می‌شد تمام فصول به‌عنوان یک کتاب منتشر می‌شدند. این شیوه «نوشته‌های سریالی» نامیده شد و با این شیوه خوانندگان مشتاق بودند بقیه‌مهندران ادامه‌داستان‌ها چه اتفاقی می‌افتد و مشتاق خریدن شماره‌ی بعدی مجله بودند.

داستان سریالی بعدی که ژول برای اترل نوشت: «ماجراهای کاپیتان هاتراس» بود. این کتاب درباره‌ی سفر دریایی خطرناکی بود. وقتی کاپیتان هاتراس و خدمه‌اش سرانجام به قطب شمال رسیدند، آن‌ها یک اکتشاف بزرگ در حال فوران را دیدند. این داستان اولین بار در سال ۱۸۶۴ در مجله‌ی اترل منتشر شد.

این سری کتاب‌های «ماجراهای کاپیتان هاتراس»، با ترجمه‌ی عباس مشایخی منتشر شده‌اند.

سفر به مرکز زمین

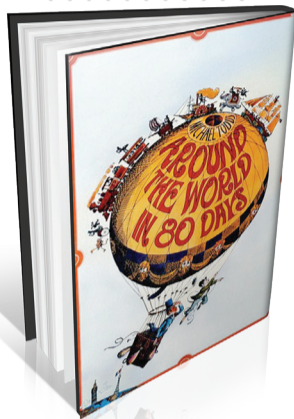
حالا ژول ورن نویسنده‌ای با آثار منتشرشده بود و وقتی به زادگاهش برگشت همسایگان برای خوشامدگویی نویسنده آمدند و مهمانی‌هایی برای خوشامدگویی‌اش برگزار کردند. ژول وقتی در خانه بود روی رمان بعدی‌اش «سفر به مرکز زمین» کار کرد؛ داستانی درباره‌ی دانشمندی به‌نام لیدنبروک است که باور داشت اکتشاف‌ها در ایسلند به سمت مرکز زمین می‌روند. او به همراه برادرزاده‌اش اکسل و هانس که راهنمای آن‌هاست از اکتشاف‌های ایسلند پایین می‌روند و با ماجراهای متعددی مانند حیوانات ماقبل تاریخ و خطرهای طبیعی مواجه می‌شوند تا اینکه در نهایت در جنوب ایتالیا دوباره به سطح زمین بازمی‌گردند.

«سفر به مرکز زمین» آن قدر محبوب بود که نسخه‌ی مصور آن در سال ۱۸۶۵ با دو فصل بیشتر منتشر شد. این رمان بار دیگر علاقه‌ی ژول را به کاوش و اکتشافات علمی نشان داد. دورمان اخیر ژول او را به یکی از مشهورترین نویسندگان در فرانسه تبدیل کرد.

این کتاب اولین بار به‌نام «مسافرت به مرکز زمین» با ترجمه کریم کیوان [البته در کتابخانه ملی کیوان قید شده] از سوی نشر دنیای کتاب منتشر شد. این کتاب همچنین با نام‌های «سفر به اعماق زمین» و «شجاعان در اعماق زمین» توسط مترجمان دیگری به فارسی منتشر شده است. تازه‌ترین ترجمه از این اثر توسط فرزانه مهر، با نام «سفر به مرکز زمین» از سوی نشر ققنوس منتشر شده است.

بعد از داستان‌هایی درباره‌ی قطب شمال و مرکز زمین، ژول شخصیت‌هایش را به ماجراجویی شگفت‌انگیزتری فرستاد. در «از زمین به کره ماه» گروهی از سربازان سابق برنامه‌ریزی کردند تا از یکی از بزرگ‌ترین توپ‌هایشان برای فرستادن یک موشک به ماه استفاده کنند. مردی به‌نام میشل آردان پیشهاد سفر در موشک و کاوش ماه را داد. آردان درست زمانی که داستان به پایان می‌رسد آن را وارد مدار می‌کند. ژول نام آردان را به افتخار دوستش نادار گذاشته بود که به‌هم‌ریخته‌ی حروف نام نادار است.

اولین فصل «از زمین به کره‌ی ماه» در پاییز ۱۸۶۵ منتشر شد. شراکت اترل و ژول ورن همچنان موفق بود و آن‌ها یک قرارداد جدید



یکی از رمان‌های

ژول ورن توسط

محمدحسین فروغی

(ذکاءالملک اول)

ترجمه شده که

درواقع می‌توان

گفت: معروف‌ترین

رمان این نویسنده

است: یعنی «دور دنیا

در هشتاد روز» که

فروغی آن را با عنوان

«سفر هشتادروزه

دور دنیا» ترجمه

کرده بود

